

در ارتباط با زیارت سه محور اساسی و آداب معنوی وجود دارد. یکی مسئله ی معرفت است که خیلی روی آن تاکید شده است. امام صادق (ع) به شخصی بنام ابراهیم فرمودند وقتی می آیی حج و عمره انجام بدهی، آنرا با معرفت انجام بده و اگر با معرفت انجام بدهی هر قدمی که بر می داری به آن ده حسنه می دهند. در روایتی داریم که به زیارت مومن هم که می روید با معرفت بروید. فردی از امام صادق (ع) پرسید: منظور از اینکه با معرفت به زیارت نوه ی ما که در طوس دفن است بروید چیست؟ امام فرمود: معرفت یعنی اینکه معتقد باشی که اطاعت از این امام لازم است. معرفتی که می گوئیم مراتب دارد. یک مرتبه ی معرفت اعتقاد به امامتش است. اعتقاد به اینکه ایشان حجت خداست و معصوم است.

مانند حدیث زیارت امام حسین ع هزار هزار برابر حج

❁ امام صادق (ع) از یکی از یارانش پرسید:

🕒 چندبار حج رفته‌ای؟

🕒 گفت: نوزده حج.

♥ امام فرمود:

🕒 آن را به بیست حج برسان تا ثواب یکبار زیارت حسین (ع) برایت نوشته شود 📖. کامل الزیارات، ص ۱۶۲

معرفت مرتبه ی بعدی معرفت حقوقی است که امام بر گردن ما دارد. امام از ما چه میخواهد که رضایت او را فراهم بکنیم. یعنی در واقع در مسیر آنها گام برداشتن است. نکته ی دوم تشکر از توفیق زیارت است.

وقتی ما به زیارت امام حسین (ع) می رویم می خوانیم: خدا را شکر که من را هدایت کرد به ولایت تو. و به من توفیق داد که پام به کربلا برسد. خود توفیق زیارت پیدا کردن یعنی وقتی انسان نگاهش به حرم امام رضا (ع) می افتد بگوید که خدایا شکر که از میان این همه انسان به من توفیق آمدن به زیارت را دادی و پولم اینجا هزینه بشود. نکته ی سوم ترک محرمات است. زیارت به معنای اعراض و دوری است. کسی که دارد زیارت می رود گویی دارد از دنیا اعراض می کند. از عالم ماده و جسم دوری می کند و به محیط روحانی می آید. در زیارت معصومین و پیامبر کسی در مورد اموردنیایی صحبت نمی کند و همه دارند زیارت می خوانند، اشک می ریزند، زیارت یک نوع ارتباط قلبی با آن معصوم است، زیارت نوعی پیوند با صاحب قلب است. کسی که می خواهد با صاحب قلب پیوند برقرار کند، گفت کبوتر با کبوتر باز با باز. معصوم کسی است که در عمرش مرتکب گناه نشده است، پس من که به زیارت معصوم می آیم بد حجاب نباشم، دروغ نگویم، معصیت نکنم، به نامحرم نگاه نکنم، با مال حرام به زیارت نیایم. روایت داریم که اگر کسی به زیارت خانه ی خدا بیاید و در وسایلش پرچم یا علامت حرامی باشد، وقتی محرم میشود و می گوید که اللهم لبیک خطاب میشود لا لبیک و از تو پذیرفته نیست. احمد اسحاق قمی از نیشابور خدمت امام عسگری (ع) یا امام کاظم (ع) پول می بردند تا پول بدست امام بدهند. امام می فرمودند که من این را قبول نمی کنم، این حق فلانی است. پس زیارت باید با مال حلال باشد. آن جوری باید به زیارت برویم که آنها دوست دارند. حالا نگویند که ما نمیتوانیم این ها را انجام بدهیم پس زیارت نرویم. خیر سعی کنید که اینکارها را انجام بدهید و توبه کنید. استغفرالله بگویند و بعد به زیارت مشرف بشوید. و خودمان را با معصوم انطباق بدهیم. رفیعی

سراغ توسل برویم. اینها می‌گویند: فقط خدا اگر موحد هستی. مثل اینکه بگوییم: «لا اله الا الله!» این توحید است. «الا الله» یعنی فقط خدا. اگر گفتی: فقط خدا، موحد هستی. اما اگر گفتی: یا زهرا، یا ابالفضل، یا حسین، یا مهدی! مشرک هستی. ما می‌خواهیم مچ بگیریم. این پرنده را جز خدا کسی در هوا نگه نداشته است. «ما يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ» (نحل/79) «ما يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ» (ملک/19) هردو یکی است. این پرنده را در هوا نگه نمی‌دارد جز خدا! فقط رحمان، می‌گوید: این توحید است. قرآن می‌گوید: این آیه که می‌گوید: فقط خدا نگه داشته است، دو صفحه این طرف‌تر می‌گوید: «يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ» (انعام/38) با بال می‌پرد. یعنی خدا نگه داشته است اما واسطه می‌خواهد. واسطه‌اش بال است. آنجایی که می‌گوید: فقط خدا، یعنی توسط بال. یعنی خدا کارهایش را با واسطه می‌کند. «لا اله الا الله» را قبول داریم اما به واسطه ائمه!

مسأله دوم سوره اعراف آیه 132 است. این یک آیه بسیار مهمی است. «و قالوا» یک عده بودند به حضرت موسی گفتند: «و قالوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ» هرچه برای ما بیاوری، نشانه، معجزه، ای موسی هزار معجزه هم اگر بیاوری، «لِنَسْحَرَنَّ بِهَا» که ما را سحر و جادو کنی، «فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ» ما ایمان نمی‌آوریم. صد معجزه هم بیاوری ایمان نمی‌آوریم. یعنی لجبازترین مردم تاریخ به موسی اینطور گفتند. خدا می‌گوید: حالا که اینقدر بدجنس هستید پی بدانید. «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ» (اعراف/133) خدا برای اینها طوفان قرار داد. زندگی را به هم ریخت. «و الْجَرَادَ» زندگی‌شان پر از ملخ شد. «و الْقُمَّلَ» زندگی‌شان پر از شپش و حیوان‌های ریز شد. «و الضَّفَادِعَ» زندگی‌شان پر از قورباغه شد. «و الدَّمَ» می‌رفت آب بخورد، خون می‌شد. این آیه برای محیط زیست است. اگر محیط زیست را به هم ریختید قهر خداست. طوفان، ملخ، شپش، قورباغه، خون! «و لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ» (اعراف/134) همین که اینها دیدند محیط زیست بهم ریخت، متوسل شدند. وهابیت توسل را قبول ندارند، لجبازها توسل را قبول دارند. «قالوا یا مُوسَى اذْعُ لَنَا» ما می‌گوییم: یا ابالفضل، یا حسین، یا زهرا، یا موسی! «یا مُوسَى اذْعُ لَنَا» دعا کن در حق ما، که اگر این بلاها از ما برطرف شود، «لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ» ما ایمان می‌آوریم. لجبازترین مردم تاریخ که به پیغمبر گفتند: هرچه معجزه بیاوری ایمان نمی‌آوریم وقتی گیر کردند، متوسل شدند. گفتند: یا موسی! ما می‌گوییم: یا ابالفضل! اینها می‌گویند: موسی زنده بود. امام‌های شما مرده‌اند. ما چند جواب داریم.

جواب اول اینکه ما متوسل به پوست و گوشت نمی‌شویم. پوست و گوشت زنده و مرده دارد. ما متوسل به مقام می‌شویم. می‌گوییم: خدایا به آبروی ابالفضل، به مقام پیغمبر، مقام زنده و مرده ندارد. دوم اینکه افراد عادی مرده‌شان مرده است. آدم‌های عادی که مردند بله، ولی اولیای خدا زنده هستند.

«و لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/169) نه اینطور که سعدی می‌گوید: سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز! نمی‌خواهد بگوید: نامشان زنده است. خودشان زنده هستند. چون قرآن می‌گوید: زنده هستند، بعد چهار تا تعبیر دارد. 1- «فَرِحِينَ» (آل عمران/170) گفتگو می‌کنند و شاد هستند. نام که شاد نیست. «يُرْزَقُونَ» رزق داده می‌شوند. «يَسْتَبْشِرُونَ» یعنی وقتی می‌گوییم نامشان هست، نه اینکه نامش به نیکی گفته می‌شود، نه! واقعاً حیات واقعی دارند. منتهی حیات برزخی دارند. در ثانی اگر کسی در زمان حیاتش مقامی داشت، اشکال دارد این مقام برای بعد از فوتش هم بماند؟ نه اشکال عقلی دارد و نه اشکال قرآنی دارد. مثلاً شما پسر کسی را احترام می‌کنی تا پدرش زنده است. وقتی پدرش بمیرد در کوچه او را ببینی باز هم سلام می‌کنی. نمی‌گویی: نه! چون پدرت زنده بود به تو احترام می‌گذارم حالا که پدرت مرد برو گمشو! این خلاف عرف است! خداوند از یک عده نعمت فهمیدن را گرفته است. باسواد است اما نمی‌فهمد. بعضی فهمشان بالاست. قرائتی

بخشی از آیات قرآن به ما میگوید با چه کسانی باشید. مثلا می فرماید: یا ایها الذین امنوا تقوا الله و کونوا مع الصادقین. مردم تقوا داشته باشید و با صادقین باشید. نمی گوید در زمان حیا، بلکه می گوید که همیشه با صادقین باشید. صادقین یعنی کسانی که از نظر اعتقادی و رفتاری معصوم هستند. از معصوم روایت داریم: نحن الصادقون، منظور از صادقون معصومین هستند. در قرآن داریم: اگر کسی از خدا و پیامبر اطاعت کند با پیامبران، شهدا و راستگویان همنشین میشود. یکی از مصداق با ائمه بودن زیارت آنها است. وقتی ما به حرم امام رضا (ع) می رویم با امام رضا (ع) هستیم. وقتی حرم پیامبر می رویم با پیامبر هستیم. ما در روایت داریم که با اینکه آن شخص از دنیا رفته ولی جسم او آنجاست ولی روح و آن چهره ی برزخی او در سر قبرش حضور دارد. خیلی ها سوال می کنند که پدر ما از دنیا رفته است و او را در تهران دفن کرده اند و من در مشهد هستم میشود همانجا فاتحه بخوانم و سر قبرش نیایم؟ و چرا سر قبر آمدن تاکید شده است؟ چون آنجایی که جسد دفن است روح در آنجا حضور دارد. داریم که در قبور ائمه ملانکه می آیند. یکی از مکان هایی که ملانکه هستند قبور ائمه است. و خود معصوم در آنجا نظارت دارد.رفیعی